

ایمان ما به روح القدس

درس
سوم

در کلیسا



THIRD MILLENNIUM

MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2019 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: ایمان ما به روح القدس (درس شماره ۳: در کلیسا)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

ii.

جهت دریافت سایر دروس و راهنمای مطالعه به بخش فارسی خدمات مسیحی هزاره سوم مراجعه کنید:

farsi.thirdmill.org

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) فیضِ عهد

عهد عتیق

عهد جدید

(۳) کتاب مقدس

الهام

پیام

هدف

جامعهٔ عهد

سخاوت‌مندی الهی

وفاداری انسان

پیامدها

(۴) عطایای روحانی

هدف

تاریخچه در کتاب مقدس

کاربرد کنونی

(۵) نتیجه‌گیری

ایمان ما به روح القدس

درس ۳

در کلیسا

مقدمه

عیسای خداوند در شب آخر و قبل از مصلوب شدنش با شاگردان خود بود و در مورد چیزهای زیادی با آنها صحبت کرد. در آن شب یکی از اهداف اصلی او آماده کردن آنان برای آینده بود – نه فقط برای دستگیری و مرگش، بلکه برای زمانی که او به آسمان صعود می‌کرد. یکی از شگفت‌انگیزترین چیزهایی که به آنها گفت این بود که با رفتن او به آسمان، آنها وضعیت بهتری خواهند داشت. آیا می‌توانید تصور کنید که رو در رو با عیسی حرف می‌زنید و او چنین چیزی به شما می‌گوید؟ تقریباً مضحک به نظر می‌رسد، آیا اینطور نیست؟ اما این تا زمانی مضحک است که دلیل آن را ندانیم. زمانی که عیسای خداوند صعود کرد، روح قدوس خدا بر آنان آمد. روح به آنها توانایی بخشید تا نقش خود را در تاسیس کلیسای مسیح به انجام رسانند. و او به کلیسا قدرت داد تا ملکوت خدا را در سراسر جهان بنا کند.

این سومین درس از مجموعه دروس «ایمان ما به روح القدس» است. ما این درس را «در کلیسا» نامگذاری کرده‌ایم زیرا تمرکز ما بر کار روح القدس در میان جمعی است که خدا با آنان عهد بسته است. در درس قبلی، کار مدبرانه روح القدس در سراسر جهان را به طور کلی بررسی کردیم. قبل از روزگار ابراهیم، خدا با همه انسان‌ها به نحوی یکسان رفتار می‌کرد. اما در این درس، کار مدبرانه‌ای را که او فقط در یک بخش از نسل بشر انجام می‌دهد، در نظر خواهیم گرفت. ابراهیم نقطه آغازین رابطه خاصی بود که خدا با گروه خاصی از مردم برقرار کرد. برای اداره این رابطه، او عهدی را منعقد کرد. از زمان ابراهیم به بعد، خدا همیشه قوم خاصی داشت که با ایشان عهد بسته بود. و ما این قوم تحت عهد خدا را «کلیسا» می‌نامیم.

اکثر مردم با کلیسای عهد جدید آشنا هستند. اگرچه بسیاری از ترجمه‌های جدید این مورد را منعکس نمی‌کنند، اما کتاب مقدس به اسرائیل باستان یعنی فرزندان ابراهیم نیز با عنوان «کلیسا» اشاره می‌کند. ترجمه سپتواجنت یا هفتاد، یعنی ترجمه یونانی عهد عتیق، از واژه یونانی اکلیسیا (ekklesia) برای مشخص کردن «مجمع» یا «اجتماع» اسرائیل استفاده می‌کند. این همان کلمه‌ای است که معمولاً در عهد جدید «کلیسا» ترجمه شده است. ترجمه هفتاد در قسمت‌هایی مانند تثنیه ۹: ۱۰ و ۳۱: ۳۰؛ داوران ۲۰: ۲؛ اول پادشاهان ۸: ۱۴؛ و مزمو ۲۲: ۲۲، ۲۳، ۲۵، از این واژه به عنوان نامی برای اسرائیل استفاده می‌کند. حتی عهد جدید در اعمال رسولان ۷: ۳۸ به قوم اسرائیل به عنوان اکلیسیا اشاره دارد. بیابید گوش کنیم پطرس چگونه پطرس را در کتاب اول پطرس ۲: ۹ توضیح می‌دهد:

اما شما ملتی برگزیده و مملکتی از کاهنان و امتی مقدس و قومی که ملک خاص خداست هستید (اول پطرس ۲: ۹).

پطرس در صحبت خود از کلیسای عهد جدید، از چند اسم عهد عتیقی مربوط به قوم اسرائیل استفاده می‌کند. همانطور که در خروج ۱۹: ۶ می‌بینیم، خدا اسرائیل را «مملکتی از کاهنان و امتی مقدس» می‌نامد. در تثنیه ۷: ۶ اسرائیل «قومی مقدس برای خداوند... قومی برگزیده که گنج اوست» معرفی شده است. و در اشعیا ۶۲: ۱۲ می‌خوانیم «شما قوم مقدس خداوند خوانده خواهید شد، قومی که خداوند نجات داده است.» هنگامی که پطرس از نام‌های اسرائیل در عهد عتیق برای اشاره به کلیسای عهد جدید استفاده می‌کند، منظورش این است که این دو گروه یک قوم تحت عهد را تشکیل می‌دهند که واحد و پیوسته است.

برخی از ایمانداران بر این تصورند که کلیسا در عهد جدید با نزول روح القدس به وجود آمده است... اما مفهوم درست این است که کلیسای عهد جدید، گسترش کلیسای عهد عتیق است. خدا در عهد عتیق ابراهیم و ذریت او را فرا خواند، و آنها قوم خدا، یعنی کلیسای او در عهد عتیق شدند. و این همان کلیسایی است که در روزگار ما گسترش یافته و تا بازگشت ثانویه عیسی مسیح ادامه خواهد داشت.

دکتر ریچ کاسیس

البته اختلافاتی بین دو جماعت تحت عهد خدا در عهد عتیق و عهد جدید وجود دارد. اما تداوم آنها به ما کمک می‌کند تا کار روح القدس را درک کنیم. در خلال عهد عتیق و عهد جدید، و پس از آن در سراسر تاریخ، کار روح در میان قوم تحت عهد خدا، بسیار فراتر از کار او در مابقی آفرینش بوده است. بنابراین در این درس، زمانی که ما از کلمه «کلیسا» استفاده می‌کنیم، اجتماع هر دو عهد، یعنی عهد عتیق و عهد جدید را در نظر داریم. ما کار تدبیر روح القدس در کلیسا را در سه بخش بررسی خواهیم کرد. ابتدا، به فیض عهد او نگاه خواهیم کرد. دوم، تدارک کتاب مقدس توسط او را مطرح خواهیم کرد. و سوم، به عطایای روحانی می‌پردازیم. ابتدا به فیض عهد روح القدس نگاه کنیم.

فیض عهد

در هر دو عهد عتیق و جدید، کتاب مقدس رابطه خدا با کلیسای خود را در قالب یک عهد توضیح می‌دهد. کلمه «عهد» از واژه عبری بریت (berîth) و واژه یونانی دیاتکه (diatheke) ترجمه شده است. اینها همان واژه‌هایی هستند که در جهان باستان، برای شرح قراردادهای بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در حالت خاص، رابطه عهد خدا با قومش به قراردادهای باستانی بین امپراتوران بزرگ یا اربابان و ممالکی که رعیت ایشان بوده و به آنها خدمت می‌کردند، شباهت داشت.

قراردادهای باستانی ارباب – رعیتی سه ویژگی مشترک داشتند: سخاوتمندی ارباب نسبت به رعیت را ابراز می‌کردند. مشخص می‌کردند که انتظار ارباب از رعیتش وفاداری بود. و پیامدهای وفاداری و یا خیانت رعیت را توضیح می‌دادند. و این قراردادها یا عهدها نسل اندر نسل پابرجا بودند به طوری که جانشینان رعیت‌ها همچنان به خدمت جانشینان اربابان ادامه می‌دادند. به طور مشابه، عهدهای خدا سخاوتمندی او را نسبت به قومش ثبت می‌کنند، قومش را متعهد به وفاداری نسبت به او معرفی می‌کنند، و عواقب اطاعت و ناطاعتی را شرح می‌دهند.

در درس قبلی یادآور شدیم، که کار روح القدس در جهان شامل فیض عام او می‌شود. فیض عام در واقع کار روح القدس برای ترویج نیکی و زندگی در همه انسان‌هاست – که نوعی از سخاوتمندی عمومی اوست. اما عهد خدا با کلیسا سخاوتمندی بزرگتری را در بر می‌گیرد و آن، ترویج نیکی و حیاتی‌ست که فراتر از فیض عام است. عهد خدا با کلیسا، نسبت به آنچه که سایر انسان‌ها دریافت می‌کنند، شامل صبر، تحمل و بخشش بیشتری می‌شود. این نکته برای تمامی افراد کلیسا صادق است، چه ایمان نجات‌بخش داشته باشند و چه نداشته باشند.

یکی از ارزش‌های متداول که ما امروز در فرهنگ‌مان بدان باور داریم، این‌ست که رفتار خدا با همه برابر است. اما من فکر می‌کنم آنچه در عهد جدید می‌بینیم در حقیقت این است که برکت و فیض خدا به قومی که با او عهد بسته است بزرگتر و بیشتر از آن است که برای مابقی دنیا انجام می‌دهد. منظور این نیست که توجه او شامل همه نمی‌شود. و این معنی را نیز نمی‌دهد که فیض او نمی‌تواند به نوعی همگانی و فراگیر باشد. اما زمانی که پای فرزندانش به میان آید، به گمانم موضوع کمی برجسته‌تر می‌شود. و این نباید ما را متعجب کند. یک پدر زمینی می‌تواند سایر کودکان محله را دوست داشته باشد، ولی بهتر است، در مقایسه با سایر کودکان، محبت و توجه او نسبت به فرزندان «خودش» به مراتب بیشتر باشد. و من فکر می‌کنم که مشابه این مورد را در عهد جدید می‌بینیم، آن هم زمانی که خدا نسبت به آنانی که متعلق به او هستند، برکت بیشتر و محبت و تشویق و حمایت عظیم‌تری ارزانی می‌دارد. این باید طبیعی باشد. ما باید درک کنیم که اینگونه رفتار، انتظار ما از خدایی است که خودش را «پدر» می‌نامد.

دکتر دان لیکیک

ما ابتدا با تمرکز بر کلیسا در عهد عتیق و سپس با نگاهی به کلیسا در عهد جدید، کار روح را در فیض عهد بررسی خواهیم کرد. بحث را با بررسی آنچه که در عهد عتیق راجع فیض عهد است آغاز می‌کنیم.

عهد عتیق

در ایام ابراهیم، موسی و داوود، خدا عهدهایی بست که فیض خاصی را به تمامی ملت اسرائیل بسط داد. در پیدایش باب‌های ۱۵ و ۱۷ خدا ابراهیم را به رابطه‌ای خواند که بر عهد استوار بود. به این وسیله، برای اولین بار اسرائیل را به عنوان یک قوم ویژه به وجود آورد. این عهد، از روی بخشندگی و مهربانی خدا، به نسل ابراهیم وعده داد که سرزمین موعود را به ارث خواهند برد و بر تمام ملت‌های جهان حکومت خواهند کرد. پولس در رومیان ۴: ۱۳، اینطور می‌نویسد:

به ابراهیم و نسل او وعده داده شد که وارث جهان خواهند شد (رومیان ۴: ۱۳).

به علاوه، ابراهیم به واسطه ایمان وعده‌ای را به دست آورد که بر اساس فیض خدا بود. همانطور که در رومیان ۴: ۱۶ می‌خوانیم:

از همین رو، وعده بر ایمان مبتنی است تا بر پایه فیض باشد و تحقق آن برای تمامی نسل ابراهیم تضمین شود، یعنی نه تنها برای آنان که به نظام شریعت تعلق دارند، بلکه برای کسانی نیز که پیرو ایمان ابراهیم‌اند، که پدر همه ماست (رومیان ۴: ۱۶).

و در سراسر تاریخ اسرائیل، خدا از روی ملاحظت با ایشان رفتار می‌کرد. هر کسی که با عهد عتیق آشنا باشد، می‌داند که قوم اسرائیل اغلب نسبت به خدا بی‌وفا بودند. آنها از او گله کردند. از نقشه‌های خدا برای خودشان آزرده‌خاطر شدند. خدایان دیگر را پرستش کردند. و با همسایگان خود بدرفتاری کردند. در حقیقت، تمامی این چیزها را هنگامی که خدا در حال نجات آنها از اسارت مصر بود، انجام دادند. گوش کنید که اشعیا چه برداشتی از فیض عهد خدا در کتاب اشعیا ۶۳: ۱۱-۱۴ داشت:

[در] ایام موسی... [او] ایشان را با شبان گله‌اش از میان دریا عبور داد؟ [او] روح قدوس خود را در میان ایشان نهاد، و بازوی شکوهمندش را به دست راست موسی به حرکت درآورد... آب‌ها را پیش روی ایشان شکافت... و ایشان را از ژرفاها عبور داد... روح خداوند ایشان را استراحت بخشید (اشعیا ۴۳: ۱۱-۱۴).

زمانی که خدا اسرائیل را از مصر نجات داد، فیض عهد را به آنان نشان داد. او دریای سرخ را برای آنها گشود، ارتش فرعون را نابود کرد، و اسرائیل را در سرزمین موعود آرامی بخشید. اما با وجود این برکات، اسرائیل به گناه علیه خدا ادامه داد. اما حتی زمانی که آنها به گناه ادامه می‌دادند، روح خدا رحمت و فیض خود را که مبتنی بر عهد بود برای آنها افزایش می‌داد.

در عهد عتیق، خدا نسبت به همه افراد مهربان و صبور است... اما او با اسرائیل به طور مخصوص صبوری می‌کرد چونکه او با اسرائیل یک عهد بسته بود. او گفت، «ای اسرائیل، من این کار را برای شما به خاطر اینکه خیلی عادل یا فاضل‌ترین قوم دنیا بودید، انجام ندادم، زیرا که کمترین اقوام بودید.» او می‌گوید، «من این کار را برای شما به خاطر اینکه دوست‌تان می‌داشتم و به پدران‌تان وعده‌ای داده بودم، به انجام رساندم.» البته، اسرائیل وسیله‌ای بود که خدا از طریق آن خودش را به دنیا آشکار می‌کرد. خدا به ابراهیم گفت که او را انتخاب کرده تا نسلش را در مسیر درست تربیت کند و تا آنها بتوانند از عهد خدا پیروی کنند. بنابراین، هرچند خدا همیشه و در هر حال شکیباست، اما به خاطر عهد خود با اسرائیل، نسبت به آنها شکیبایی خاصی داشت. هدف خدا برکت دادن تمامی قوم‌ها از طریق ذریت ابراهیم بود.

دکتر کریگ س. کینز

باب ۹ کتاب نحما تاریخ ملی اسرائیل را از دوره ابراهیم تا تلاش برای احیای پادشاهی اسرائیل در قرن پنجم قبل از میلاد خلاصه کرده است. و در سراسر این فصل، مشاهده می‌شود که با وجود سرکشی و قیحانه اسرائیل، رفتار خدا با آنها، با عشق و رحمت بود. بیایید به چند نمونه از فیض عهد روح در این فصل، گوش کنیم. در نحما ۹: ۱۷-۲۰، اینطور می‌خوانیم:

از گوش فرا دادن ابا نمودند و کارهای عجیبی را که در میان‌شان به عمل آوردی، به یاد نیاوردند، بلکه گردن خویش را سخت ساختند و رهبری برگماشتند تا به بندگی خویش در مصر بازگردند. اما تو خدایی آمرزنده، فیاض و رحیم، و دیرخشم و آکنده از محبتی؛ از این رو ایشان را ترک نگفتی. حتی آن هنگام که برای خود گوساله ریخته‌شده ساختند، و گفتند: «این است خدای تو که تو را از مصر بیرون آورد»، و یا مرتکب اعمال قبیح شدند، تو به سبب رحمت عظیم

خود، ایشان را در بیابان وانگذاشتی. ستون ابر در روز از فراز ایشان دور نشد بلکه ایشان را در مسیرشان رهبری نمود، و نه ستون آتش در شب، تا راهی را که می‌بایست بروند، بر آنها روشن سازد. و روح نیکوی خود را برای تعلیم ایشان عطا فرمودی. و منای خود را از دهان‌شان باز نداشتی، و برای رفع تشنگی، بدیشان آب دادی (نحمیا ۹: ۱۷-۲۰).

در اینجا نحمیا به گناه اسرائیل در روزگار موسی اشاره می‌کند. این واقعیت که اسرائیل این همه بت‌پرستی‌ها و کفرگویی‌ها را مرتکب شد، ثابت می‌کند که بسیاری از افراد قوم اسرائیل ایمانداران حقیقی نبودند. با این حال، آنها همچنان در عهد با خدا بودند، و خدا هم با آنها بر اساس فیض عهد رفتار می‌کرد. همانطور که نحمیا تاکید می‌کند، خدا روح خود را نفرستاد تا اسرائیل را تنبیه کند، بلکه تا آنها را تعلیم دهد.

در روزگار داوود، خدا سخاوتمندانه، یک سلسله پادشاهی دائمی را در اسرائیل بر پا کرد. اما قوم به قدری بی‌وفایی کردند که در سال ۹۳۰ قبل از میلاد خدا آن پادشاهی را به دو پادشاهی تقسیم کرد: پادشاهی شمالی اسرائیل و پادشاهی جنوبی یهودا. در طول سده‌های بعد، خدا با فرستادن انبیا برای تشویق قوم به توبه، بر فیض عهد خود تاکید می‌کند. اما آنها توبه نکردند. بنابراین، او اسرائیل را در سال ۷۲۲ قبل از میلاد، و یهودا را در سال ۵۸۶ قبل از میلاد به تبعید فرستاد. اما حتی در زمان اسارت آنان نیز، او باطل نکرد. در نحمیا ۹: ۳۰-۳۱ اینطور می‌خوانیم:

سال‌های بسیار با ایشان مدارا کردی و به روح خویش به واسطه انبیای خود بدیشان هشدار دادی، اما گوش فرا ندادند. پس آنان را به دست قوم‌های ممالک تسلیم نمودی. اما به رحمت عظیمت ایشان را به کل نابود نکردی و وا نگذاشتی، زیرا خدایی فیاض و رحیمی (نحمیا ۹: ۳۰-۳۱).

اقدام به اعاده پادشاهی در زمان نحمیا یکی دیگر از نمونه‌های فیض عهد خدا بود. اما این تلاش، ناموفق بود زیرا که قوم به بی‌وفایی ادامه دادند. اما فیض عهد خدا، محکم پابرجا ماند به طوری که او به مدت پنج قرن از قوم خود حفاظت و حمایت کرد و وعده داد تا از طریق ماشیح یا مسیح خود، آنها را به ایمان بازگرداند. بشنویم زکریا ۱۲: ۱۰ چطور این نجات را شرح می‌دهد:

بر خاندان داوود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و دعا‌های ملتسمانه را خواهم ریخت (زکریا ۱۲: ۱۰).

در بعضی از ترجمه‌ها عبارت «یک روح» به جای «روح» به کار رفته است. اما هنگامی که فعل «ریختن» یا کلمه عبری شافاخ، با کلمه «روح» همراه می‌شود، در حالت کلی روح خدا را مد نظر دارد. ایده‌های مشابهی را در اشعیا ۳۲: ۱۵ و حزقیال ۳۹: ۲۹؛ و یوئیل ۲: ۲۸-۲۹ می‌بینیم.

شکست و امید از خصوصیات تاریخ اسرائیل باستان هستند. وعده‌های عهد خدا پیروزی نهایی اسرائیل را تضمین می‌کند. شورش تقریباً مداوم اسرائیل علیه خدا به این معنا بود که آنها نسل اندر نسل، مشمول عواقب نافرمانی می‌شدند. پادشاهی اسرائیل به دو قسمت تقسیم شد، و هر قسمت به خاطر گناه خودش به تبعید رفت. زمانی که تبعیدشان به پایان رسید، تلاش‌ها برای احیای آنها ناکام ماند، زیرا آنها نسبت به او که نجات‌شان داده بود، امین نماندند. با این حال، فیض عهد خدا همچنان مستحکم برقرار ماند. و در این فیض، او سرانجام عیسی را برای نجات قوم تحت عهدش فرستاد. در میان آن قوم، برخی او را به عنوان ماشیح پذیرفتند و تبدیل به اولین اجزای کلیسا شدند.

با به خاطر سپردن رفتار مدبرانه روح با کلیسا در عهد عتیق، بیایید توجه‌مان را به فیض عهد او در عهد جدید معطوف کنیم.

عهد جدید

درست مانند کلیسا در عهد عتیق، کلیسای عهد جدید نیز شامل ایمانداران و غیرایمانداران است. و همانند عهد عتیق، «تمامی» جماعت کلیسا در عهد با خدا هستند. به این دلیل است که عهد جدید اغلب به موضوعات مربوط به بی‌ایمانان در کلیسا می‌پردازد. به عنوان نمونه، در مثل عیسی در مورد گندم و علف هرز، که در متی ۱۳: ۲۴-۳۰ آمده است، فرض بر این است که در کلیسا، بی‌ایمانان نیز خواهند بود، و هشدار داده شده که حتی ممکن است برخی از کسانی که اعتراف به ایمان می‌کنند نجات نداشته باشند. در غلاطیان ۵: ۴، پولس می‌گوید کسانی که تلاش می‌کنند توسط شریعت عادل شمرده شوند، از فیض ساقط می‌شوند. اول تیموتائوس ۱: ۱۹، ۲۰، صحبت از کسانی می‌کند که «ایمان‌شان را تباه کردند» و به «شیطان سپرده شده‌اند». عبرانیان ۶: ۴-۶ به کسانی که در روح القدس سهیم شده‌اند، اخطار می‌دهد که ممکن است سقوط کرده و هلاک شوند. همه این ایده‌ها نقاط پیوستگی بین کلیسای عهد عتیق و عهد جدید هستند. گوش کنید عبرانیان ۱۰: ۲۶-۲۹، چگونه از بی‌ایمانان در کلیسا صحبت می‌کند:

زیرا اگر پس از بهره‌مندی از شناخت حقیقت، عمداً به گناه کردن ادامه دهیم، دیگر هیچ قربانی برای گناهان باقی نمی‌ماند... هر که شریعت موسی را رد می‌کرد... بدون ترحم کُشته می‌شد. حال به گمان شما چقدر بیشتر کسی که پسر خدا را پایمال کرده و خون عهدی را که بدان تقدیس شده بود، ناپاک شمرده و به روح فیض، بی‌حرمتی روا داشته است، سزاوار مجازاتی بس سخت‌تر خواهد بود؟ (عبرانیان ۱۰: ۲۶-۲۹).

به یقین، بی‌ایمانان در کلیسا وجود دارند، و آنها بالاخره تحت داوری خدا قرار خواهند گرفت. اما پیش از داوری، آنها فیض عهد را دریافت می‌کنند. آنها «حقیقت را شناخته‌اند». آنها به «خون عهد» تقدیس شده‌اند. و «روح فیض» آنها را خدمت می‌کند.

امید بر این است که بیشتر مردم در کلیساهای ما ایماندار باشند. اما صرف نظر از ایمان ما، این حقیقت که ما در عهد با خدا هستیم، به این معناست که روح القدس مقداری از فیض عهد را بر ما آشکار می‌کند. این فیض نجات‌بخش نیست – فیض نجات‌بخش فقط برای نجات ایمانداران محفوظ شده است. اما با این حال، هنوز هم فیض است؛ یعنی لطف خدا که هر چند استحقاق کسب آن را نداریم، به ما داده می‌شود، زندگی‌مان را بهبود می‌بخشد، و فرصت نجات را در اختیار ما می‌گذارد.

افراد نجات‌نیافته از بودن در عهد با خدا سود می‌برند... به بیان روشن‌تر، آنها اعضای کلیسای قابل رؤیت یا مرئی هستند. کلیسای مرئی جایی است که خدا شخصیت خود را از طریق موعظه کلام و برگزاری آیین‌های تعمید و شام خداوند نشان می‌دهد. این افراد به سادگی با مراعات این آیین‌ها و با شنیدن کلامی که به آنها تعلیم داده می‌شود، سود می‌برند. رهبران کلیسا آنها را در جایگاهی از مسئولیت‌پذیری قرار می‌دهند... نه تنها این، بلکه باید اضافه کنم که در کلیسای مرئی، خدا – احتمالاً به روش‌های اسرارآمیزی – قومش را حفاظت می‌کند. او آنها را از هر چیز بدی که ممکن است در معرض آن قرار گیرند حفظ می‌کند... بنابراین، در این حالت آنان بیشتر به خود خدا پاسخگو هستند. آنها باید روزی در مورد چیزهای بسیاری به او پاسخ دهند، اما در عین حال، از همه این امتیازات شگفت‌انگیز برخوردارند، و فکر می‌کنم خدا به دنبال آنهاست، به انواع روش‌ها به آنها بشارت می‌دهد، ایشان را تعلیم می‌دهد، و انجیل را به آنها می‌رساند. یعنی فرصت‌هایی در اختیارشان قرار می‌دهد که او را باور کرده و پیروی کنند، و قطعاً می‌توانم بگویم که اگرچه آنها نجات‌نیافته‌اند، همین که در عهد با خدا قرار دارند، برکت عظیمی برای ایشان وجود دارد.

کشیش مایک آزبورن

به این موضوع اینطور فکر کنید: هر شخصی که عضوی از کلیساست، به طور مرتب انجیل را می‌شنود و فرصت برای توبه و نجات در اختیارش قرار می‌گیرد. و خدا به کلیسا به عنوان یک کل، فیضی می‌بخشد که همه ما در آن سهیم هستیم؛ که شامل اموری مانند حفاظت از ما در مقابل دشمنان، تامین نیازهای زمینی، و استقامت در زمان تحمل مجازات زمینی گناهان‌مان می‌شود. کلیسای اولیه نمونه‌ای است که می‌توان آن را در نظر گرفت. اعمال رسولان ۹: ۳۱ می‌گوید:

بدین گونه کلیسا در سرتاسر یهودیه و جلیل و سامره آرامش یافته، استوار می شد و در ترس خداوند به سر می برد و به تشویق روح القدس بر شمار آن افزوده می گشت (اعمال ۹: ۳۱).

روح با مهربانی گناه ما را محدود می کند، و به همه ما میزانی از سلامتی، قدرت و تشویق می بخشد. علاوه بر این، روح القدس تک تک افراد کلیسا را از طریق دوستی و مشارکت کلیسایی خدمت می کند. او همه اعضای کلیسا را تقویت کرده، به محبت، حمایت و کمک به یکدیگر برمی انگیزاند. به عنوان نمونه، همانطور که در اعمال رسولان ۲: ۴۴، و دوم قرنتیان ۹: ۱۳، ۱۴ می بینیم، فیض عهد، تقسیم پول و اموال را نیز شامل می شود. و همانطور که پولس در افسسیان ۴: ۳ می نویسد، اتحاد و صلحی را شامل می شود که ما با همدیگر به اشتراک می گذاریم. و همانطور که ما در طول این درس خواهیم دید، فیض عهد، انواع دیگر خدمات محبت آمیز روح را نیز شامل می شود. پس از بررسی اعمال مدبرانه فیض عهد روح القدس در کلیسا، به بررسی تدارک کتاب مقدس توسط او می پردازیم.

کتاب مقدس

بسیاری از انسان ها به کتاب مقدس دسترسی دارند. اما نکته مهمی که باید تشخیص دهیم این است که کتاب مقدس به کل بشریت آشکار نشده است. کتاب مقدس منحصرًا به جماعت تحت عهد خدا - یعنی کلیسای مسیح - داده شده است. از میان جماعت تحت عهد خدا، روح القدس افرادی را انتخاب کرد تا به عنوان نویسندگان انسانی، کتاب مقدس را به آنها الهام کند. و در هر دو عهد عتیق و جدید، این نویسندگان الهام یافته نوشته های خود را به کلیسا تحویل دادند.

در این درس ما فقط بر سه جنبه از کتاب مقدس تمرکز می کنیم که کمک می کنند تا کار روح القدس در کلیسا را ببینیم. ابتدا، درباره الهام کتاب مقدس توسط روح صحبت می کنیم. دوم، پیام یک پارچه و منسجم روح در کتاب مقدس را خواهیم دید. و سوم، هدف عهد او برای کلیسا را در کتاب مقدس بررسی خواهیم کرد. بیایید با الهام روح شروع کنیم.

الهام

کلمه «الهام» به معنی «دمیدن به درون» است. بنابراین، زمانی که می‌گوییم روح القدس نویسندگان انسانی را الهام بخشید، منظورمان این است که او کلمات خود را به درون آنها دمید. به همین دلیل است که دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ می‌گوید:

تمامی کتب از الهام خداست (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶).

در این مورد که چگونه روح القدس متون کتاب مقدس را الهام بخشید و اینکه روح القدس و نویسندگان انسانی هر کدام چه نقشی بر عهده داشتند، پژوهشگران نظرات مختلفی دارند. اما در حالت کلی، این نظرات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

بیشتر مفسرین منتقد، دیدگاهی را پذیرفته‌اند که می‌توانیم آن را «الهام شاعرانه» بنامیم. آنها بر این باورند که روح القدس صرفاً نویسندگان انسانی را به نوشتن برانگیخته است، درست مانند هنرمندی که ایده‌ای بزرگ و یا منظره‌ای زیبا او را «الهام» می‌بخشد. با چنین دیدگاهی، روح القدس در واقع بر کلمات کتاب مقدس، مدیریت و نظارت ندارد. بنابراین، کتاب مقدس فقط توسط نویسندگان انسانی نوشته شده است.

بسیاری از مسیحیان محافظه‌کار معتقد به دیدگاهی هستند که می‌توان آن را «الهام مکانیکی» یا ماشینی نامید. در این دیدگاه روح القدس نویسندگان انسانی را به نحوی کنترل کرده است که آنها در نگارش کتاب مقدس یا خلاقیت بسیار اندکی به خرج داده‌اند و یا اینکه هیچ دخالتی نداشته‌اند. گاهی این دیدگاه «دیکته‌ای» نیز نامیده می‌شود چون نویسندگان انسانی را به منشی‌های ساده‌ای تشبیه می‌کند که کلماتی را که روح به آنها می‌گفت ثبت می‌کردند.

در تقابل با الهام شاعرانه و الهام ماشینی، کتاب مقدس دیدگاهی را ترویج می‌کند که می‌توانیم آن را «الهام آرگانیک» یا «اندام‌وار» بنامیم. این دیدگاه از آن جهت «آرگانیک» نامیده می‌شود که به روند طبیعی نگارش کتاب مقدس توسط نویسندگان انسانی با استفاده از ایده‌ها و کلمات‌شان و بر اساس شخصیتی که دارند متوسل می‌شود. بنابراین، این دیدگاه با تعبیر الهام مکانیکی تفاوت دارد. این دیدگاه از الهام شاعرانه نیز متمایز است چون بر اساس این دیدگاه، روح القدس به گونه‌ای بر روند نگارش نظارت می‌کند که نویسندگان به یقین آنچه را که او می‌گوید بنویسند و در ضمن، مانع خطای آنها بشود. بشنوید پطرس در کتاب دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱، چگونه الهام را توضیح می‌دهد. او می‌گوید:

قبل از هر چیز، بدانید که هیچ وحی کتب مقدس زائیده تفسیر خود نبی نیست. زیرا وحی هیچ گاه به اراده انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند (دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱).

پطرس نقش یا حتی اراده نویسندگان انسانی کتاب مقدس را انکار نکرد. تاکید پطرس به روشنی بر این بود که کتاب مقدس با روح القدس آغاز شده، و این روح القدس است که بر نگارش آن نظارت کرده است. در این صورت، روح القدس حقیقتاً نویسنده کتاب مقدس است، و نه فقط برانگیزنده نویسندگان آن. ما ایده‌های مشابه این را در قسمت‌هایی مانند دوم سموئیل ۲۳: ۲؛ اعمال رسولان ۱: ۱۶ و ۴: ۲۵؛ و عبرانیان ۳: ۷ می‌بینیم. از طرف دیگر، نویسندگان انسانی کتاب مقدس به مشارکت و عملکرد شخصی خود در نوشته‌های‌شان اشاره کرده‌اند. گوش کنید که نویسنده انجیل لوقا چگونه کار خود را در لوقا ۱: ۳ توضیح می‌دهد:

من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما، عالیجناب تیوفیلوس، بنگارم (لوقا ۱: ۳).

لوقا دخالت روح القدس در نگارش متون خود را تکذیب نکرد. لوقا به سادگی روشن می‌کند که آنچه او به نگارش درآورد مطابق با درک خودش بوده، و ثبت اموری است که خود تحقیق کرده است. با این دید، لوقا و دیگر نویسندگان انسانی کتاب مقدس واقعا «نویسنده» بودند، و نه فقط «منشی‌هایی» که به آنها دیکته می‌شد.

روح القدس و نویسندگان انسانی، یعنی نویسندگان کتاب مقدس، در الهام آرگانیک یا اندام‌وار با یکدیگر همکاری می‌کنند. در حالی که نویسنده کتاب مقدس مشغول نوشتن است، روح القدس در کنار او قرار می‌گیرد و او را بر می‌انگیزد و باعث می‌شود تا او آنچه را که ما امروز کلام خدا می‌نامیم، به رشته تحریر در آورد. بنابراین، نوعی الحاق، ادغام، و هم‌نویسی بین روح، که بر روند نگارش نظارت می‌کرد، و نویسنده کتاب مقدس، مانند موسی یا اشعیا یا پولس، که در عمل «نویسنده» واقعی کتاب مقدس بودند، وجود داشت؛ تلاشی تعاونی‌وار، به طوری که روح و نویسندگان کتاب مقدس با همدیگر کتاب مقدس را تألیف کردند.

دکتر گرگ ر. آلیسون

حال، اگرچه تمامی کتاب مقدس به طور اندام‌واری الهام شده است، باید بپذیریم که روح با نویسندگان انسانی به روش‌های گوناگونی کار کرده است. برخی از قسمت‌های کتاب مقدس شبیه دیکته است، مانند زمانی که خدا به اشعیا آنچه را او باید در اشعیا ۶: ۹-۱۰ بنویسد، وحی کرد. همانطور که در خروج ۳۱: ۱۸ می‌خوانیم، موسی

گفت که خودِ خدا ده فرمان را با انگشت خویش نوشت. با این حال، ما باید به خاطر بسپاریم که کتاب مقدس گزارشات مربوط به اموری است که خدا گفته و انجام داده است. کتاب‌های کتاب مقدس کتاب‌هایی هستند که توسط نویسندگان انسانی نوشته شدند تا این رویدادها را ثبت کنند. در میان کتاب‌های کتاب مقدس، حتی یک کتاب هم وجود ندارد که به طور منحصر به فرد حاوی نقل قول‌های مستقیم خدا باشد.

بخش‌های دیگری نیز در کتاب مقدس یافت می‌شوند که به الهام شاعرانه نزدیک‌ترند، مانند کتاب‌های حکیمانه که نویسندگان آنها در فکر نگرانی‌های زمینی خود بودند. به طور مثال، کتاب امثال ۳۰: ۲۵-۲۸، در زندگی روزانه مورچه‌ها، گورکن‌ها، مارمولک‌ها و سوسمارها تعمق می‌کند. قطعاً هیچ کس استدلال نمی‌کند که فقط روح القدس می‌توانست دانش این را که مورچه‌ها در تابستان خوراک ذخیره می‌کنند، به نویسنده اعطا کرده باشد! با این وجود، کتاب مقدس حداقل دو مورد را نشان می‌دهد: اول، نویسندگان انسانی کتاب مقدس صرفاً منشی‌هایی نبودند که کلمات دیکته شده توسط روح را بنویسند. و دوم، فارغ از اینکه روند نگارش بعضی از متون کتاب مقدس گهگاه به الهام شاعرانه می‌ماند، روح القدس همیشه و به طور صمیمانه‌ای در آشکارسازی و ثبت کلام خدا به کلیسا از طریق نویسندگان انسانی‌ای که تحت الهام روح بودند، فعال بود.

حال که الهام کتاب مقدس توسط روح القدس را بررسی کردیم، اجازه دهید دربارهٔ پیام اصلی او در کتاب مقدس صحبت کنیم.

پیام

ما می‌توانیم پیام اصلی کتاب مقدس را به روش‌های مختلف شرح دهیم. از یک جنبه، می‌توان این پیام را روایتی از تاریخ آفرینش انسان، سقوط او در گناه، رهایی، و جلال نهایی او دانست. یا ممکن است با بررسی باور انسان به خدا و وظیفه‌اش در قبال او، رویکرد منتظم‌تری را در پیش بگیریم. همانگونه که در پاسخ شماره ۳ مندرج در کتاب پرسش و پاسخ موجز وست‌مینستر می‌خوانیم:

کتاب مقدس اصولاً تعلیم می‌دهد که انسان چه باوری نسبت به خدا باید داشته باشد و خدا چه انتظاری از انسان دارد.

یا می‌توان پیام اصلی کتاب مقدس را به مانند عیسی، در محبت به خدا و به همسایه، خلاصه کرد. در متی ۲۲: ۳۷-۴۰ عیسی تعلیم داد:

”خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما.“ این نخستین و بزرگترین حکم است. دومین حکم نیز همچون حکم نخستین است: ”همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت نما.“ تمامی شریعت موسی و نوشته‌های پیامبران بر این دو حکم استوار است (متی ۲۲: ۳۷-۴۰).

منظور عیسی از «شریعت و کتب انبیا» همهٔ عهد عتیق بود. بنابراین، می‌توانیم عهد عتیق – و به طور ضمنی، عهدجدید را نیز – با استفاده از دو حکم بزرگ خلاصه کنیم.

اما زمانی که ما دربارهٔ پیام اصلی روح القدس در کتاب مقدس صحبت می‌کنیم، چیز دیگری را در ذهن داریم – چیزی که تمامی این خلاصه‌ها را ترکیب می‌کند. آنچه که خوانندگان امروزی اغلب از آن غافل هستند این است که این خلاصه‌ها کاملاً عهدمحورند. و «همین» مهم‌ترین پیام روح القدس به کلیسایش است. اساساً کتاب مقدس یک «سند مبتنی بر عهد» است. این سند خدا را به نحوی به قوم تحت عهدش آشکار می‌کند که رابطهٔ ما را با او مشخص و روشن کند. کتاب مقدس سخاوتمندی عهد او را نسبت به ما ثبت کرده است. کلام خدا، آن نوع وفاداری را که خدا از ما انسان‌ها می‌طلبد، توضیح می‌دهد. و در ضمن، چکیدهٔ عواقب اطاعت یا ناطاعتی را – که شامل نجات و یا محکومیت نهایی ماست – ترسیم می‌کند. در هر صورت، تمام قسمت‌های کتاب مقدس به تشریح این عملکردهای اساسی عهد می‌پردازند.

برای مثال، هنگامی که الاهی‌دانان داستان خلقت، سقوط، نجات و جلال انسان را بازگو می‌کنند، غالباً این کار را از طریق نشان دادن انعقاد عهد در هر یکی از این دوره‌ها انجام می‌دهند. بنابراین، اگر بخواهیم پیام کتاب مقدس را در چارچوب عهد توضیح دهیم، عموماً عهد منعقد شده با آدم، نوح، ابراهیم، موسی، داوود و عیسی را در نظر می‌گیریم. انعقاد عهد در هر یک از این موارد معنای جای داشتن در عهد با خدا را به ما می‌آموزد.

اگر خلاصهٔ پیام کتاب مقدس را آنگونه که کتاب پرشش و پاسخ موجز وست‌مینستر بیان می‌کند در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که تأکید این پیام بر خود خدا، که بخش‌بندی او را نیز شامل می‌شود، و بر وفاداری‌ای که او از انسان‌ها انتظار دارد، قرار گرفته – که هر دو مورد ویژگی‌های یک ارتباط مبتنی بر عهد محسوب می‌شوند. و اگر ما نیز پیام کتاب مقدس را آنگونه که عیسی در متی باب ۲۲ می‌گوید خلاصه کنیم، لاجرم متوجه ماهیت عهدمحور آن خواهیم شد.

فرمان محبت به خدا در تثیبه ۶: ۵ صادر شده است. فصل ششم کتاب تثیبه، خلاصهٔ شگفت‌انگیزی از ارتباط عهدی خدا با قومش را ارائه می‌دهد. ابتدا، به اسرائیل یادآوری می‌کند که بر طبق وعده‌هایی که خدا به آنها داده است، ایشان قوم تحت عهد او هستند. دوم اینکه، مهربانی الهی خدا را در آزادسازی اسرائیل از بردگی مصر یادآوری می‌کند. سوم، بر لزوم وفاداری انسان در اطاعت از تمام شریعت خدا با قلبی خالص و پرمحبت، تأکید می‌کند. و چهارم، به توضیح برکات بزرگی می‌پردازد که قوم خدا، در صورتی که شریعت او را حفظ کنند، دریافت خواهند

کرد. و همچنین لعنت‌های ترسناکی را یادآور می‌شود که قومش، در صورت طغیان علیه او، متحمل خواهند شد. بنابراین، وقتی که به تثبیه ۶: ۵ می‌رسیم، می‌فهمیم که فرمان محبت به خدا شامل همهٔ این ایده‌ها می‌شود.

هنگامی که به ما حکم می‌شود تا خدا را با تمام ذهن، روح و قلب خود محبت کنیم، این فرمان بر همهٔ قسمت‌های زندگی ما تاثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، آن را می‌توان اینطور ترجمه کرد، «خدا را با تمام وجودت محبت کن.» خداوندی که با ما عهد بسته است، تعهد کرده که به ما وفادار باشد، و ما به عنوان طرف دیگر این عهد، وظیفه داریم به خدایی که با ما عهد بسته است، وفادار بمانیم... به عبارت دیگر، محبت ما به خدا با ذهن و قلب و روح، بیانگر ایمان و وفاداری ما به اوست. در واقع، خطاب به او می‌گوییم، «خداوندا، همهٔ وجودمان را در برابر تو قرار می‌دهیم.»

شبان اورنان کروز

حکم مربوط به محبت کردن همسایه نیز اساساً ریشه در عهد خدا با انسان دارد. لایوان ۱۹: ۱۸ آیه‌ای است که عیسی صریحاً نقل قول می‌کند. مانند باب ششم تثبیه، لایوان باب ۱۹ نیز بر رابطهٔ بین خدا و اسرائیل که مبتنی بر عهد است تاکید دارد. ما این موضوع را به طور ویژه در کاربرد عبارت «من خداوند، خدای شما هستم» می‌بینیم که به دفعات تکرار شده است. در مقام خدای اسرائیل، عهد او تمامی جماعت قوم را در بر گرفت. بنابراین، عیسی بر محبت به همسایه، به مثابهٔ محبت در حق هموطنی در پادشاهی خدا تاکید کرد. ما همدیگر را باید برکت دهیم و از چیزهایی مانند انتقام و سوءاستفاده از یکدیگر اجتناب کنیم، چون این چیزی است که خدا آن را به عنوان شالودهٔ یک جامعهٔ مبتنی بر عهد قرار داده است.

تمام پیام کتاب مقدس در رابطه با عهد خداست. و این موضوع در همه حال صحت دارد، چه ما آن را به عنوان تاریخ، یا الاهیات منتظم، و یا موردی عملی از زندگی در دوستی با خدا و بشر ببینیم. همهٔ کتاب مقدس بر پایهٔ ارتباطی است که به واسطهٔ عهد بین خدا و قومش به وجود آمده است. و روح القدس در کلام الهام شده، بارها و بارها بر این پیام تعهد خدا نسبت به قومش، چه در بُعد فردی و چه در بُعد جمعی، تاکید می‌کند. حال که ما کار مدبرانهٔ روح القدس در کتاب مقدس را از جنبه‌های الهامی و عهدمحوری بررسی کردیم، بیایید به هدف آن پردازیم.

هدف

با توجه به اینکه پیام اصلی روح القدس در کتاب مقدس بر عهد بنا شده، هدف اصلی کتاب مقدس نیز مبتنی بر عهد است. مهم است در نظر داشته باشیم که چون کتاب مقدس توسط روح القدس الهام شده، اهداف نویسندگان

انسانی آن همیشه با اهداف روح هم‌راستا بوده است. و می‌توان با نگاهی به بخش‌هایی که در آن، این موضوع نسبتاً به صراحت آمده، تایید کنیم که این هدف یکپارچه بر محور عهد استوار بوده است. ما به چهار شیوه‌ای که طبق آنها روح اهداف عهد‌محور خود را آشکار کرده، اشاره می‌کنیم. اول اینکه، کتاب مقدس نویسندگان و مخاطبین اصلی خود را به عنوان اعضای جامعه عهد خدا مشخص می‌کند.

جامعه عهد

عهد جدید توسط رسولان و انبیایی که به عنوان فرستادگان عهد خدا خدمت می‌کردند، نوشته شده است. کار آنان این بود که قوم خدا را در مقابل عهد او پاسخگو نگه دارند. فراتر از این، اکثر رسالات عهد جدید، و کتاب مکاشفه، به طور صریح مخاطبین خود را کلیساها می‌نامند – معمولاً کلیساهای اماکن مشخص. کتاب عبرانیان به طور قابل توجهی استثنایی است چون هرگز مخاطب خود را به نام مشخص نمی‌کند. اما باز هم، تَحیاتی که در پایان رساله آمده است نشان می‌دهد که عبرانیان نیز خطاب به کلیسا نوشته شده است. رساله اول یوحنا نیز به طور خاص نامی از مخاطبان خود نمی‌برد، ولی عبارات به کار گرفته شده، به یقین نشان می‌دهد که مخاطبان او مسیحیان هستند. رسالات اول و دوم تیموتائوس، تیتوس، و دوم و سوم یوحنا به طور واضح خطاب به اشخاص نوشته شده‌اند. ولی حتی در همین چند کتاب نیز شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد مخاطب نویسندگان این رسالات، کل کلیسا بوده است، و گنجاندن این کتاب‌ها در عهد جدید خود مؤید این استدلال است. مورد مشابهی را در انجیل لوقا و اعمال رسولان می‌بینیم که تئوفیلوس را مخاطب اولیه خود می‌شمارد. و خود انجیل در مقام یک سبک ادبی، همراه با تفاسیری که در سراسر کتاب‌های آن آمده است، استدلال می‌کند که مخاطب اصلی انجیل متی، انجیل مرقس، و انجیل یوحنا، خود کلیسا است.

و البته، عهد عتیق شامل آیات بسیاری است که نام مخاطبان عهدی خود را مشخص کرده است. بسیاری از انبیا مخاطبان‌شان را به طور خاص با عناوین یهودا یا اسرائیل مشخص می‌کردند. و حتی انبیایی که مخاطب‌شان ملت‌های غیر یهودی بودند – مانند عوبدیا و یونس و ناحوم – کتاب خود را برای قوم تحت عهد خدا نوشتند. رومیان ۹: ۴ و سایر قسمت‌های عهد جدید استدلال می‌کنند که عهد عتیق برای قوم خدا نوشته شده است. و شواهد بسیاری نیز وجود دارند که ثابت می‌کنند، مخاطبین عهد عتیق جماعت تحت عهد خدا بودند. به کلام موسی در تثنیه ۴: ۸ توجه کنید:

و کدام قوم بزرگ است که دارای فرایض و قوانین عادلانه‌ای همچون این شریعت باشد که امروز من در برابر شما می‌نهم؟ (تثنیه ۴: ۸).

موسی گفت که داشتن شریعت، اسرائیل را از قوم‌های دیگر متمایز ساخته است. شریعت خدا را فقط آنها دریافت کرده بودند زیرا تنها آنها قوم تحت عهد خدا بودند. همین ایده را در خروج ۲۴: ۱-۱۲ می‌بینیم. در آنجا موسی گفت که ده فرمان و «کتاب عهد»، به طور ویژه‌ای، مربوط به ارتباط عهدمحور خدا با اسرائیل بودند. در دوم پادشاهان باب‌های ۲۲ و ۲۳ نیز، آنجا که یوشیا، پادشاه یهودا، عهد اسرائیل با خدا را تجدید می‌کند، مخاطبان عهد ذکر شده‌اند. در این باب‌ها، حلقیای کاهن آن چه را که «کتاب شریعت» نامید، در بایگانی معبد پیدا کرد. بیشتر محققان بر این باورند که این کتاب، کتاب تثنیه بود. ظاهراً این کتاب سال‌های زیادی در انبار نادیده گرفته شده بود. زمانی که حلقیا این کتاب را خواند، به پیامدهای عهد پی بُرد و آن را برای یوشیای پادشاه فرستاد. زمانی که یوشیا این کتاب را خواند، واکنشی که نسبت به این کتاب نشان داد این بود که آن را برای جماعت اسرائیل - کلیسای عهد عتیق - قرائت کرد. او آن را «کتاب عهد» نامید و به این وسیله بر هدف عهدمحور آن تاکید کرد. او خود و قومش را دوباره به رعایت احکام مندرج در آن کتاب متعهد کرد. به شرح این واقعه در دوم پادشاهان ۲۳: ۲-۳ توجه کنید:

و (یوشیا) پادشاه با تمامی مردمان یهودا و جمیع ساکنان اورشلیم و کاهنان و انبیا، یعنی با تمامی قوم از کوچک و بزرگ، به خانه خداوند برآمد و تمامی کلمات کتاب عهد را که در خانه خداوند پیدا شده بود، در گوش آنان خواند... پادشاه... در حضور خداوند عهد کرد که از خداوند پیروی کرده، فرامین، شهادت و فرایض او را به تمامی دل و جان نگاه دارد، و کلمات عهد را که در آن کتاب نوشته شده بود، به جا آورد. سپس همه قوم خود را به این عهد متعهد ساختند (دوم پادشاهان ۲۳: ۲-۳).

بخش دوم قسمت‌هایی که در کتاب مقدس هدف عهدمحور روح را آشکار می‌کنند، آنهایی هستند که نوشته شدند تا سخاوتمندی الاهی خدا را نشان دهند.

سخاوتمندی الاهی

همانطور که گفتیم، عهد خدا شامل سه عنصر اصلی است: سخاوتمندی خدا؛ وفاداری انسانی‌ای که او انتظار دارد؛ و عواقب اطاعت و ناطاعتی. هرگاه یکی از نویسندگان کتاب مقدس یکی از این سه مورد را به عنوان هدف خود مشخص کند، قصد واقعی او باید بر این باشد تا عهد خدا با قومش را یا شرح دهد، یا تایید و یا بر آن تاکید کند.

گوش کنید مزمور ۱۰۲: ۱۷-۱۸، چگونه از سخاوتمندی خدا صحبت می‌کند:

به دعای مسکینان توجه نموده، و دعای ایشان را خوار نشمرده است. این برای نسل آینده نوشته می‌شود تا قومی که آفریده خواهند شد خداوند را تسبیح بخوانند (مزمور ۱۰۲: ۱۷-۱۸).

زمینه مزمور ۱۰۲ نشان می‌دهد که مزمورنویس به کمک نیاز داشت و نگاه او برای مهربانی، رحمت و نجات، به خدا بود. او خدا را به عنوان امپراتوری بزرگ در سراسر جهان می‌شناخت، و از خدا خواست تا نیازهایش را برآورده کند. هدف این مزمور آن بود که نسل‌های آینده را از چگونگی نجات خود به دست خدا مطلع کند تا آنها نیز سخاوتمندی خدا را ببینند و او را ستایش کنند. و این دعوت از دیگران برای تصدیق سخاوتمندی خدا، آشکارا عهدمحور بود. سخاوتمندی خدا را همچنین در مقدمه انجیل لوقا می‌بینیم. لوقا در انجیل خود ۱: ۳-۴ نوشته است:

من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما، عالیجناب تئوفیلوس، بنگارم، تا از درستی آنچه آموخته‌اید، یقین پیدا کنید (لوقا ۱: ۳-۴).

پیام اصلی انجیل لوقا این است که خدا پسرش را فرستاد تا مجسم شود، به جهت کفاره گناهان مان به جای ما بمیرد، از مردگان برخیزانده شود تا ما حیات بیابیم، و به آسمان صعود کند تا به عنوان ماشیح یا مسیح ما سلطنت کند. این بزرگ‌ترین نیکی و مهربانی عالم است و هیچ نیکویی بزرگتری از این نمی‌تواند وجود داشته باشد! بنابراین، وقتی لوقا با نوشتن نامه خود به تئوفیلوس او را کمک کرد تا از درستی آنچه آموخته است یقین پیدا کند، حداقل یکی از اهداف او این بود که سخاوتمندی خدا را به ثبت برساند. و در اینجا می‌توانیم هدف عهدمحور روح را در نوشته‌های لوقا ببینیم.

به شیوه‌ای مشابه ولی صریح‌تر، در یوحنا ۲۰: ۳۰-۳۱، یوحنا رسول به سخاوتمندی خدا در مسیح به عنوان هدف انجیل خود اشاره کرد. او نوشت:

عیسی آیات بسیار دیگر... به ظهور رسانید... اما اینها نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی همان مسیح، پسر خداست، و تا با این ایمان، در نام او حیات داشته باشید (یوحنا ۲۰: ۳۰-۳۱).

در لوقا باب ۷، درباره یک افسر رومی می‌خوانیم که از عیسی می‌خواهد تا خادمی را که برای او بسیار ارزشمند بود شفا دهد، و عیسی فقط با ادای یک کلمه قادر است که خادم او را شفا دهد. درست بعد از این اتفاق، می‌خوانیم که چطور عیسی با یک مراسم تشییع جنازه در روستای نایین مواجه می‌شود، و آنجا بیوه‌زنی را می‌بیند که برای مرگ تنها پسرش بی‌تابانه گریه می‌کند، و یک بار دیگر، عیسی فقط با گفتن یک کلمه، آن مرد جوان را به زندگی باز

می‌گرداند... بنابراین، این اتفاقات نشان می‌دهند که عیسی کیست، اما معجزات او ثابت می‌کنند که پادشاهی خدا در حال احیا است، یعنی اینکه این خادم و تنها پسر بیوه‌زن به خانواده‌های‌شان بازگردانده شوند، اینکه بتوانند دوباره در مقام آنانی که به شباهت خدا آفریده شده‌اند انجام وظیفه کنند، اینکه دوباره بتوانند به کار مشغول شوند، اینکه بتوانند به معبد باز گردند و خدا را پرستش کنند، اینکه بتوانند یک بار دیگر به شکوفایی جامعه خودشان کمک کنند. بنابراین، معجزات عیسی نه تنها نشان می‌دهند که عیسی کیست، بلکه فیض عظیم و سخاوتمندی او، سخاوتمندی در احیا، را به نمایش می‌گذارند.

دکتر گرگ پری

معجزات عیسی نمونه‌هایی از سخاوتمندی خدا بودند. او بیماران و لنگان را شفا بخشید. به گرسنگان خوراک داد. دیوزدگان را آزاد کرد. مُردگان را زنده کرد. به طور خلاصه او پیشاپیش طعم برکات پادشاهی زمینی خدا را به مردم چشاند. این اعمال سخاوتمندانه را کسانی دریافت کردند که نه شایستگی و ارزش آن را داشتند، و نه حتی در بسیاری موارد طالب آنها بودند. این اعمال سخاوتمندانه به طور تمام و کمال از نیکی، مهربانی و رحمت خدا نشئت می‌گرفتند.

هدف یوحنا این بود که سخاوتمندی خدا را به نمایش بگذارد، تا برای نجات از طریق پسرش به سمت او جذب شویم. اگر به خاطر داشته باشیم که تمام کتاب مقدس توسط روح القدس الهام شده است، سخت نیست ببینیم این قسمت چگونه هدف عهدمحو روح را تایید می‌کند. بخش سوم از آیاتی که هدف عهدمحو روح را نشان می‌دهند، بر امانت و وفاداری انسان متمرکزند.

وفاداری انسان

در موارد بسیاری که نویسندگان کتاب مقدس هدف نگارش خود را بیان می‌کنند، به وفاداری انسان اشاره کرده‌اند. آنچه آنها نوشتند صرفاً برای آگاهی خوانندگان‌شان از تاریخ و یا افزایش شادی و حکمت آنها نبود. آنها مطالب خود را به الهام روح خدا نوشتند تا خوانندگان خود را به اطاعت از خدا برانگیزانند. پولس در رومیان ۱: ۵ نوشت:

ما به واسطه‌ی وی و به‌خاطر نام او فیض و رسالت یافتیم تا از میان همه‌ی غیریهودیان، مردمان را به اطاعتی که در ایمان است، فرا خوانیم (رومیان ۱: ۵).

و همانطور که او در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ می‌گوید:

تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶).

هر یک از قسمت‌های کتاب مقدس به ما می‌آموزند که چطور وفادار باشیم و چطور مطابق با الزامات خدا زندگی کنیم. به عبارت دیگر، همه کتاب مقدس، در زمینه وفاداری انسانی ما، تعلیم می‌دهد که ما تعهدی مبتنی بر عهد داریم. این ایده همچنین در تثنیه ۲۹: ۲۹ به طور واضح بیان شده است:

چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ما است، تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم (تثنیه ۲۹: ۲۹).

ما این نکته را در اول یوحنا ۲: ۱ نیز می‌بینیم:

ای فرزندان من، این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید (اول یوحنا ۲: ۱).

در برخی متون، دستورالعمل‌ها نسبتاً خاص هستند. برای نمونه، حزقیال ۴۳: ۱۱، صراحتاً با این هدف نوشته شد تا تضمین کند که معبد آینده مطابق مختصاتی که خدا تعیین کرده بود ساخته شود. و پولس در اول قرنتیان ۵: ۱۱ به مسیحیان قرنتس می‌نویسد تا آنان با افرادی که ادعای ایمان در مسیح دارند ولی به صورت غیراخلاقی زندگی می‌کنند، معاشرت نکنند.

اکنون، باید تاکید کنیم که وفاداری‌ای که خدا از کلیسایش انتظار دارد، تنها منحصر به اطاعت ظاهری نمی‌شود. در سراسر کتاب مقدس، روح به وضوح خاطر نشان می‌کند که وفاداری عهدمحور حقیقی، صادقانه و قلبی است، و انگیزه‌اش محبت به خداست. کلمات تثنیه ۶: ۱-۶ را در نظر داشته باشید:

این است فرمان‌ها و فرایض و قوانینی که یهوه، خدای شما، امر فرمود به شما بیاموزم... یهوه خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود محبت کن. و این سخنان... بر دل تو باشد (تثنیه ۶: ۱-۶).

آیه‌ای که عیسی در متی ۲۲: ۳۷ نقل کرد و آن را «بزرگ‌ترین حکم» نامید، در این قسمت از تثنیه یافت می‌شود و با این نکته که شریعت باید بر دل ما نوشته شود، خاتمه می‌یابد.

محبت به خدا صرفاً موضوع احساسات و یا یک اطاعت ساده نیست، بلکه هر دو را شامل می‌شود. محبت به خدا، وفاداری و امانت ما نسبت به خداست که در اطاعت قلبی ما از احکام او دیده می‌شود. توصیف مشابهی از محبت را در بخش‌هایی مانند تثیبه ۱۱: ۱۳، و ۳۰: ۱-۶ و یوشع ۲۲: ۵ می‌بینیم. عیسی در یوحنا ۱۴: ۱۵ می‌گوید:

اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت (یوحنا ۱۴: ۱۵).

در عین حال که روح القدس نویسندگان انسانی را الهام بخشید و از طریق آنان با کلیسا سخن گفت، هرگز محبت به خدا را به عنوان یک شریعت صرف که باید از آن پیروی کنیم، در نظر نداشت. بلکه می‌خواست درک کنیم که به جا آوردن الزامات عهد، خود نشانه‌ای از محبت ما به خداست.

این برای خدا مهم است که چرا از او اطاعت می‌کنیم، و او واقعا می‌خواهد که اطاعت ما از او به خاطر محبت ما نسبت به او باشد. اینکه شخصی از چیزی اطاعت کند نمی‌تواند بیش از چند دلیل داشته باشد. یک دلیل می‌تواند ترس از مجازات باشد؛ یعنی مایل نیستیم پیامد ناطاعتی گریبانگیر ما بشود... دلیل دوم می‌تواند این باشد که تصور کنیم در صورت اطاعت، چیزی را تحصیل خواهیم کرد، چیزی به دست خواهیم آورد، و یا چیزی کسب خواهیم کرد... اما، خدا نمی‌خواهد تصور ما بر این باشد که لطف او را کسب کرده‌ایم، و یقیناً نمی‌توان از این طریق نجات خود را کسب کرد. بنابراین، حقیقتاً تنها یک انگیزه برای ما باقی می‌ماند و آن اینکه، خدا را به دلیل محبتی که به او داریم اطاعت کنیم. عیسی همین نکته را مطرح می‌کند. او می‌گوید، «اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت. به همین دلیل است که می‌خواهم از من اطاعت کنید؛ چون مرا دوست دارید.» زیرا زمانی که از روی محبت اطاعت می‌کنید، به فکر خودتان نیستید. اطاعت از روی ترس، «من» را در نظر دارد. اطاعت برای رسیدن به چیزی، «من» را در نظر دارد. اما، اطاعت از روی محبت، درباره‌ی شخصی است که دوستش دارم، درباره‌ی محبوبم است، درباره‌ی تکریم شخصی است که مطیع او هستم، شخصی که به او خدمت می‌کنم و به هر شکلی سعی دارم او را گرمی بدارم. بنابراین، هرگاه خدا را از روی محبت اطاعت می‌کنیم، آنچه حقیقتاً در کانون توجه قرار می‌گیرد ما نیستیم... بلکه خدا، نیکویی و بزرگی اوست.

دکتر دان لیسیک

چهارمین بخش از آیات کتاب مقدسی که بیانگر اهداف عهدمحور روح هستند بر پیامدهای عهد تاکید دارند.

پیامدها

همانطور که به یاد دارید، جای داشتن در عهد با خدا شامل پیامدهایی است: برکات به هنگام اطاعت و لعنت به هنگام ناطاعتی. در بسیاری از قسمت‌های کتاب مقدس کلیسا تشویق می‌شود تا از طریق اطاعتی که بر پایه ایمان بنا شده، به دنبال برکات خدا باشد تا از این راه هدف عهدمحور روح آشکار شود. برای نمونه، آیتی مانند تثنیه ۶: ۱-۴ تعلیم می‌دهد که هدف از احکام خدا این بود که قوم خدا برکات او را از طریق اطاعت به دست آورند. و یوشع ۱: ۸ می‌گوید که کتاب شریعت برای به بار آوردن اطاعتی که منجر به پیروزی و کامیابی می‌شود، نوشته شد. در اول پادشاهان ۲: ۳-۴ می‌فهمیم که یکی از اهدافی که شریعت موسی دنبال می‌کرد این بود تا به قوم خدا آموزش دهد که چطور در برکات او کامیاب شوند و چطور برکت ابدی خاندان داوود را تولید کنند. ببینیم پولس در رومیان ۱۵: ۴ در مورد عهد عتیق چه می‌نویسد:

زیرا آنچه در گذشته نوشته شده است، برای تعلیم ما بوده تا با پایداری و آن دلگرمی که کتب مقدس می‌بخشد، امید داشته باشیم (رومیان ۱۵: ۴).

به همین ترتیب، در یوحنا ۲۰: ۳۱ یوحنا می‌گوید که انجیلش را برای هدایت مردم به سوی برکت عهد خدا در برخورداری از زندگی ابدی به واسطه عیسی، نوشته است. او در اول یوحنا ۵: ۱۳ می‌گوید که این رساله را نوشت تا ایمانداران از حیات ابدی خود اطمینان حاصل کنند.

در ضمن، کتاب مقدس مشخص می‌کند که هدفش هشدار در مورد لعنت‌های خداست. تثنیه ۲۸: ۵۸ می‌آموزد که اگر قوم خدا از سخنان مکتوب در تثنیه اطاعت نکنند، از لعنت‌های او رنج خواهند کشید. ارمیا ۳۶: ۶-۷ نشان می‌دهد که هدف اولین کتاب نبوتی ارمیا این بود که توبه را در قوم خدا ایجاد کند تا از خشم خدا نجات یابند. در اول قرن‌تین ۱۰: ۱۱-۱۲، پولس مجدداً درباره هدف عهد عتیق اظهار نظر کرده و می‌گوید: مشکلاتی که قوم خدا متحمل شدند، به عنوان هشدار به نسل‌های آینده و برای جلوگیری از تکرار همان داوری‌ها، نوشته شدند. همانطور که تا به این لحظه مشاهده کردیم، کتاب مقدس به شدت عهدمحور است. در واقع، کتاب مقدس پیامد الهام روح القدس و نظارت او بر آنانی است که به عنوان نمایندگان او پیام عهد او را به قوم تحت عهد خدا می‌رسانند. و اگر ما نسبت به آن پیام امین باشیم، تا به ابد از برکات او بهره‌مند خواهیم شد.

تا به اینجا، کار مدبرانه روح القدس در کلیسا را از زاویه فیض عهد او و ارائه کتاب مقدس، مطالعه کردیم. حال آماده هستیم تا آخرین سرفصل اصلی را بررسی کنیم: یعنی عطایای روحانی که او به جماعت تحت عهد خود می‌بخشد.

عطایای روحانی

وقتی در الاهیات منتظم صحبت از عطایای روحانی یا «عطایای روح» می‌کنیم، آنچه که در نظر داریم عبارت است از:

تجلی قدرت روح القدس در ایجاد و یا افزایش توانایی‌ها در آدمیان، مخصوصا برای منفعت کلیسا.

برخی عطایای روحانی به قابلیت‌ها و استعدادهای طبیعی شباهت دارند، به نحوی که همیشه نمی‌توان با اطمینان گفت چه کسی آن عطایا را دارد و چه کسی ندارد. برای نمونه، فردی ممکن است ذاتا معلم خوبی باشد، اما شخص دیگری شاید فقط به این دلیل خوب تعلیم می‌دهد که روح القدس قدرت آن را به او بخشیده است. سایر عطایا، مانند کارهایی که فقط به طریق ماورای طبیعی می‌توانند صورت گیرند، طبیعت جذاب و خارق‌العاده‌ای دارند. بنابراین مشخص است که اینها عطایای روحانی هستند و نه فقط موهبت‌های طبیعی. اما در همه این موارد، یک عطیه روح مستلزم کار روح القدس از طریق یک فرد است تا عمل قدرتمند تدبیر را به کمال برساند.

بحث درباره عطایای روحانی را به سه قسمت تقسیم می‌کنیم: ابتدا، هدف عطایا را تعریف خواهیم کرد. سپس، تاریخ آنها در کتاب مقدس را بررسی می‌کنیم. و در بخش سوم، درباره برخی از رویکردهای اوانجلیکال نسبت به استفاده امروزه عطایا، تحقیق خواهیم کرد. بیایید ابتدا به اهداف عطایا نگاهی بیندازیم.

هدف

لحظاتی پیش در تعریف عطایای روحانی، گفتیم که آنها «تجلی قدرت روح القدس در ایجاد و یا افزایش توانایی‌ها در آدمیان، مخصوصا برای منفعت کلیسا» هستند. این تمایز مهمی است که باید قائل شد. عطایای روحانی عمدتا برای تعالی ارتباط یک شخص با خدا بخشیده نشده‌اند.

البته درست است که همزمان با کار روح در ما، خود ما نیز سود می‌بریم. اما اگر عطیه مشخصی سودی برای کلیسا نداشته باشد، پس به احتمال قوی یا آن عطیه نابه‌جا به کار رفته است یا اینکه اصلا عطیه روحانی نیست. در حقیقت، این یکی از نکات مهمی است که پولس رسول در اول قرن‌تین باب‌های ۱۲ تا ۱۴، جایی که گسترده‌ترین تعلیم کتاب مقدس را درباره عطایای روح می‌بینیم، به آن می‌پردازد. به آنچه پولس در اول قرن‌تین ۱۲: ۷-۱ می‌گوید توجه کنید:

و اما در خصوص تجلیات روح، ای برادران، نمی‌خواهم غافل باشید... باری، عطایا گوناگونند، اما روح همان است؛ خدمت‌ها گوناگونند، اما خداوند همان است؛ عمل‌ها گوناگونند، اما همان خداست که همه را در همه به عمل می‌آورد. ظهور روح، به هر کس برای منفعت همگان داده می‌شود. (اول قرنتیان ۱۲: ۱-۷).

پولس عطایا، خدمت و کار را یکسان می‌شمارد چونکه عطایای روحانی کارهایی هستند که خدا از طریق ما برای خدمت به کلیسا انجام می‌دهد. اینها «برای منفعت همگان» داده شده‌اند، یعنی برای منفعت کلیسا. در اول قرنتیان ۱۲: ۸-۳۱ پولس هدف عطایای روحانی را با جزئیات بیشتری توضیح می‌دهد. با استفاده از استعاره بدن آدمی، او توضیح می‌دهد که هر عضوی از بدن به اعضای دیگر وابسته بوده و در عین حال از آنها بهره می‌گیرد. به همین صورت، اعضای کلیسا همگی یک بدن هستند و در نتیجه، ما از عطایای یکدیگر بهره‌مند می‌شویم. پولس، در ضمن، روشن می‌کند که این روح القدس است که تصمیم می‌گیرد کدام عطیه را به کدام اشخاص ببخشد. همانطور که اعضای بدن انسان یکسان و همشکل نیستند، در کلیسا نیز اینطور نیست که همه اعضا دارای عطایای یکسان و مشابهی باشند. بنابراین، نباید آنانی را که عطایای هیجان‌انگیزتری دارند برتر دانست، یا آنانی که چنین عطایایی را ندارند در رتبه پایین‌تری قرار داد. تمام عطایای روحانی، به عنوان وسیله‌ای برای بنای کلیسا بخشیده شده‌اند. در حقیقت پولس در آیه ۲۶ گفت که اعضای کلیسا آنقدر به یکدیگر وابسته هستند که وقتی «یک قسمت رنج می‌برد، همه قسمت‌ها رنج می‌برند» و زمانی که «یک قسمت سربلند می‌شود، همه قسمت‌ها با او شادی می‌کنند.»

سپس، او در ۱۳: ۱-۱۳ تعلیم می‌دهد که اگر این عطایا برای بنای یکدیگر در محبت به کار نروند، بی‌فایده خواهند بود. در چنین حالتی، نه فقط به هدف خود که بنای کلیسا است نمی‌رسند، بلکه به طور یقین سودی هم نصیب صاحب عطیه نمی‌شود.

همانطور که می‌دانیم، و همانگونه که پولس رسول در رساله خود به قرنتیان نوشته است، زمانی عطایای روحانی به طور مناسب استفاده می‌شوند که برای بنای بدن مسیح یعنی کلیسا به کار گرفته شوند. و پولس خودش در اول قرنتیان باب ۱۳ می‌گوید که من به شما طریق افضل‌تر را که محبت است، نشان می‌دهم. و سپس در ادامه توضیح می‌دهد که بدون محبت نمی‌توان هیچ کاری کرد؛ بدون محبت تمامی عطایا هیچ هستند. پس، منظور این است که محبت آن چیز است که همه عطایای روحانی را به هم پیوند می‌دهد، و هرگاه که محبت همه آنها را به هم پیوند داده باشد، بدن مسیح می‌تواند بر اساس این عطایا بنا شود.

پروفسور مومو کیسا

گاهی عقیده بر این است که پولس رسول بین عطایایی که به جهت بنای کلیسا بخشیده شده‌اند، مانند نبوت، و عطایایی که می‌بایست به طور خصوصی استفاده شوند، مانند زبان‌ها در دعای شخصی، تمایز قائل بود. همانطور که او در اول قرنتیان ۱۴: ۱۲ گفت:

چون شما اشتیاق دارید صاحب عطایای روح باشید، بکوشید بیشتر عطایایی را کسب کنید که باعث تقویت و پیشرفت کلیسا می‌باشد (اول قرنتیان ۱۴: ۱۲، ترجمه مؤده).

در ابتدا، ممکن است به نظر برسد که گفته پولس حاکی از آن است که برخی از عطایا نه برای بنای کلیسا بلکه فقط برای بنای شخص دریافت‌کننده آنها داده می‌شوند. ولی مطالعه این آیه در زمینه گسترده‌تری که دارد مشخص می‌کند که منظور پولس این بود که حتی آن دسته از عطایا که کاربرد شخصی دارند نیز باید به صورت عمومی برای بنای کلیسا استفاده شوند.

برای نمونه، او در اول قرنتیان ۱۴: ۲۲ گفت که عطیه زبان‌ها در کلیسا می‌تواند به درستی به عنوان نشانه‌ای برای بی‌ایمانان استفاده شود. و در آیات ۲۷ و ۲۸ اضافه می‌کند که اگر شخصی در جلسه کلیسایی به زبان‌ها صحبت کند، آن زبان باید ترجمه شود تا برای کلیسا مفید باشد.

مکاتب مختلف الاهیاتی استنباط‌های متفاوتی از نبوت و زبان‌ها دارند و همین قضیه در خصوص شماری از سایر عطایا نیز صادق است. ولی همه ما باید اتفاق نظر داشته باشیم که هدف اصلی عطایای روحانی بنای کلیساست.

حال که هدف عطایای روحانی را تعریف کردیم، بیایید تاریخچه آنها را در کتاب مقدس بررسی کنیم.

تاریخچه در کتاب مقدس

عطایای روحانی ابتدا در ایام عهد عتیق ظاهر شدند. پیدایش باب ۴۱ نشان می‌دهد که روح به یوسف برای تعبیر خواب‌ها توانایی بخشید. و کتاب دانیال باب ۴ همین نکته را در مورد دانیال می‌گوید. و البته عهد عتیق انبیای بسیاری را نام می‌برد که خدا آنان را منصوب کرد و قدرت بخشید تا با قوم او صحبت کنند. و در ضمن، در عهد عتیق می‌توانیم شخصیت‌هایی را بیابیم که معجزات و شفاهایی مانند شفای جذام و زنده کردن مردگان انجام دادند. و اگرچه عهد عتیق همیشه در این موارد به روح خدا اشاره ندارد، اما عهد جدید این موضوع را روشن می‌کند که

اینها عطایای روحانی بودند. متونی مانند رومیان ۱۲: ۶ و اول قرنتیان ۱۲: ۲۸-۲۹ معلوم می‌کنند که نبوت‌ها و شفاها و معجزات، همه عطایای روح هستند.

فراتر از این، کتاب خروج در چندین قسمت اشاره می‌کند که روح القدس قابلیت‌ها و استعداد‌های خارق‌العاده‌ای به صنعتگران بخشید تا بتوانند خیمهٔ عهد را بسازند و به دیگر پیشه‌وران نیز آموزش دهند. در واقع، این صنعتگران اولین افراد در تاریخ بودند که کتاب مقدس عطایای روحانی را به وضوح به آنها نسبت داده است. در خروج ۳۵: ۳۰-۳۵ موسی می‌گوید:

خداوند بَصَلِّیْل... را برگزیده است، و او را با روح خدا پر کرده، بدو مهارت، فهم و دانش در انواع صنایع بخشیده است... به او و اهلویاب... این توانایی را بخشیده که به دیگران تعلیم دهند. خدا به ایشان مهارت بخشیده است تا هر نوع کاری را که حکاکان، طراحان و گلدوزان... می‌کنند، یعنی کارهایی را که هر نوع صنعتگر یا طراح ماهر انجام می‌دهد، خود انجام دهند (خروج ۳۵: ۳۰-۳۵).

روح القدس به پادشاهان نیز استعدادهای خاصی بخشید تا بتوانند بر قلمروشان حکمرانی کرده و آن را اداره کنند. برای نمونه، شائول پادشاه از روح القدس برای انجام کار خود قدرت دریافت کرد. ما این مورد را در اول سموئیل ۱۰: ۱۰ و ۱۱: ۶ می‌بینیم. و از اول سموئیل ۱۶: ۱۳-۱۴ یاد می‌گیریم که وقتی داوود برای مقام سلطنت مسح شد، خدا عطای روحانی را از شائول گرفت و در عوض، داوود را با آن مجهز کرد. به همین دلیل است که در مزمو ۵۱: ۱۱ بعد از گناه با بتشیع، داوود دعا می‌کند که خدا روح القدس را از او نگیرد. داوود می‌دانست که خدا این عطا را از شائول به خاطر گناهی که او مرتکب شد، گرفته بود. و داوود امید داشت که به سبب توبه‌اش، خدا به او اجازه دهد تا آن عطای روحانی را که دریافت کرده بود، از دست ندهد.

اما علیرغم این نمونه‌های عطایای روحانی در عهد عتیق، مهم است تشخیص دهیم که این عطایا نسبتاً کمیاب بودند. این عطایا برای کسانی در نظر گرفته شده بود که خدا ایشان را جهت خدمتی ویژه در مقام نمایندهٔ خود فراخوانده بود – افرادی مانند انبیا و پادشاهان. با این حال، عهد عتیق در انتظار روزی بود که در آن تمامی افراد تحت عهد خدا عطای روح را می‌یافتند. در یوئیل ۲: ۲۸-۲۹، یوئیل نبی نوشت:

پس از آن، روح خود را بر تمامی بشر فرو خواهیم ریخت؛ پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، پیران تان خواب‌ها و جوانان تان رویاها خواهند دید. نیز در آن روزها حتی بر غلامان و کنیزان، روح خود را فرو خواهیم ریخت (یوئیل ۲: ۲۸-۲۹).

وقتی یوئیل می‌گوید که این چیزها «بعد از آن» اتفاق خواهد افتاد، منظورش این بود که در «روزهای آخر» و یا در «زمان‌های آخر» واقع خواهند شد. در آن زمان، هنگامی که خدا پادشاهی آسمانی خود را بر زمین می‌آورد، قوم او به طور گسترده‌ای عطایای روحانی را دریافت می‌کردند.

عطایای روحانی فقط محدود به افرادی مانند انبیا و پادشاهان نبود. بلکه خدا روح خود را بر تمامی جماعت عهد نازل می‌کرد. و این دقیقا همان چیزی است که وقتی عیسی ملکوت را طی خدمت زمینی خود برپا کرد، اتفاق افتاد.

تمییز قائل شدن بین عطایای روح القدس در دوران عهد عتیق با دوران عهد جدید یکی از دشوارترین پرسش‌هایی است که در بحث آموزه روح القدس مطرح می‌شود. به عقیده من شاید شفاف‌ترین آموزه کتاب مقدس در باب تفاوت بین عطایای روح القدس در عهد عتیق و عهد جدید این باشد که کتاب مقدس این اختلافات را با اصطلاحات کمیته بیان می‌کند – هرچند، این روش اطلاعات زیادی به ما نمی‌دهد، ولی به هر حال آگاهی‌بخش است و دست‌کم جهت‌گیری ما را مشخص می‌کند. اشعیا ۳۲: ۱۵ را در نظر می‌گیریم که در آن از کلمه آره استفاده شده، و اشاره به این دارد که روح «ریخته» خواهد شد... که درباره ایام عهد جدید صحبت می‌کند. یا، می‌توان به آیه مشهورتری اشاره کرد که همان یوئیل ۲: ۲۸ است: در این آیه، با استفاده از فعل شافاخ از ریخته شدن روح القدس در روزهای آخر، در ایام ماشیح، در ایام بازگشت و احیا، صحبت می‌کند. این افعال در زبان عبری افعال کمی هستند. و معنی آن «ریخته شدن به مقدار زیاد» است. بنابراین، به عقیده من اگر بنا باشد تفاوتی بین کار روح القدس در عهد عتیق و کار روح القدس در عهد جدید قائل شویم، می‌باید به افزونی آن بیاندیشیم، یعنی به اینکه کار روح القدس بیشتر است و روح القدس به طور گسترده‌تری تعمیم داده شده است زیرا در مقادیری به مراتب انبوه‌تر نازل می‌شود.

دکتر ریچادر پرت

در اعمال رسولان باب ۲ نوشته شده که در روز پنتیکاست، مدت کوتاهی بعد از صعود عیسی به آسمان، روح القدس بر همه کلیسا نازل شد. چیزی شبیه «زبان‌های آتش» بر آنها فرود آمد و در نتیجه، همگی آنها شروع به صحبت به زبان‌های دیگر کردند. سپس در اعمال رسولان ۲: ۱۶-۱۸، پطرس رسول به صراحت اعلام کرد که این رخداد، تحقق نبوت یوئیل درباره روزهای آخر بود.

از آن روز به بعد، عطایای روحانی برای همه در کلیسا قابل دسترس بوده‌اند. کتاب مقدس نه تلاشی برای جمع‌آوری فهرستی جامع از عطایا می‌کند، و نه می‌گوید که تنها عطایای معتبر، آنهایی هستند که قبلا ظاهر شده‌اند. گذشته از این، در قسمت‌هایی مانند رومیان باب ۱۲، اول قرنتیان باب ۱۲، و افسسیان باب ۴، تفاوت‌هایی بین

فهرست عطایا وجود دارد. این به آن معناست که این فهرست‌ها فقط نمونه‌ای از آنچه که روح در آن زمان انجام داده و یا در حال انجام آن بود، فراهم می‌کنند. هدف فهرست عطایا این نیست که آنچه را که روح می‌تواند انجام دهد محدود کند. علاوه بر این، بسیاری از عطایایی که در این فهرست‌ها نام برده شده‌اند ماهیتی عمومی دارند، به طوری که نمی‌توان با هیچ مقیاس دقیقی ظهور اولیه آنها را تعیین کرد. در نتیجه، منطقی است اگر فکر کنیم که روح القدس قادر است در آزادی الاهی خود هر نوع توانایی را که بخواهد در آدمیان ایجاد کرده و یا افزایش دهد. چه فکر کنیم روح القدس می‌تواند هر عطیه‌ای را به همه ببخشد، و چه نظر ما این باشد که او عطایایش را محدود به آنانی کرده است که در کتاب مقدس از آنها نام برده شده، همگی باید بپذیریم که او عطایای خود را طبق هدف و اراده خویش می‌بخشد. عطایای روحانی تجلی فیض او هستند. او به هیچ وجه ملزم به تعمیم عطایا نیست. پولس این را در اول قرنتیان ۱۲: ۱۱ روشن می‌کند:

همه اینها را همان یک روح به عمل می‌آورد و آنها را به اراده خود تقسیم کرده، به هر کس می‌بخشد (اول قرنتیان ۱۲: ۱۱).

و او مورد مشابهی را در رومیان ۱۲: ۶ یادآور می‌شود:

بر حسب فیضی که به ما بخشیده شده است، داری عطایای گوناگونیم (رومیان ۱۲: ۶).

بر طبق تفسیر اکثر الاهی‌دانان عهد جدید، این کتاب تعلیم می‌دهد که روح القدس متعهد است حداقل یک عطیه روحانی به هر ایماندار عطا کند. به نظر می‌رسد که این ایده نه تنها در یوئیل ۲: ۲۸-۲۹، بلکه در رومیان ۱۲: ۶ و افسسیان ۴: ۷ و اول قرنتیان ۱۲: ۷-۱۱ نیز تایید شده است. اما آنچه که بعضی وقت‌ها مسیحیان را متعجب می‌کند این است که حتی بی‌ایمانان در کلیسا هم می‌توانند عطایای روحانی را دریافت کنند. این مورد به صراحت در مورد بلعام نبی در کتاب اعداد باب‌های ۲۲ تا ۲۴ صدق می‌کند. بلعام تلاش کرد که قوم خدا را لعنت کند اما در عوض، خدا او را وادار کرد تا آنها را برکت دهد. و این موضوع در کلیسای عهد جدید نیز صدق می‌کند. برای نمونه در متی ۷: ۲۱-۲۳ عیسی صحبت از هلاکت نهایی آنانی می‌کند که به نام او نبوت کردند، روح‌های پلید را بیرون راندند و معجزات انجام دادند. به این هشدار در عبرانیان ۶: ۴-۶ گوش کنید:

زیرا آنان که یک بار منور گشتند و طعم آن موهبت آسمانی را چشیدند و در روح القدس سهیم شدند و طعم نیکویی کلام خدا و نیروهای عصر آینده را چشیدند، اگر سقوط کنند، ممکن نیست بتوان ایشان را دیگر بار به توبه آورد (عبرانیان ۶: ۴-۶).

در اینجا نویسنده می‌گوید افرادی که سقوط می‌کنند ممکن است «طعم آن موهبت آسمانی را چشیده»، «در روح القدس سهیم شده»، و «نیروهای عصر آینده را چشیده» باشند. این موارد درباره نجات نیست، بلکه به تجربه عطایای روحانی اشاره می‌کنند.

عطایای روحانی هدف واحدی را دنبال می‌کنند، فارغ از اینکه دریافت‌کننده آنها یک ایماندار و یا حتی یک بی‌ایمان باشد. بزرگترین هدف عطایا، منفعت کلیسا است. بهترین استفاده‌ای که می‌توانیم از عطایای روحانی خود کنیم این نیست که زندگی روحانی شخصی خود را ارتقا دهیم، یا احساسات را در خود به اوج برسانیم، یا خود را در کلیسا بر دیگران برتری دهیم. برعکس، روح القدس به ما عطایا می‌بخشد تا ما بتوانیم دیگران را خدمت کنیم. و ما باید دیگران را با فروتنی خدمت کنیم، و بدانیم که اگر قادر به انجام کاری هستیم، تنها دلیل آن خود روح القدس است.

تاکنون عطایای روحانی را به لحاظ هدف و تاریخ‌شان در کتاب مقدس در نظر گرفتیم. حال بیایید به بررسی روش‌هایی پردازیم که اوانجلیکال‌ها در رویکردشان نسبت به کاربرد کنونی در پیش گرفته‌اند.

کاربرد کنونی

همانطور که اشاره کردیم، تمامی اوانجلیکال‌ها به این باور گرایش دارند که روح القدس امروز نیز به بخشیدن عطایای روحانی ادامه می‌دهد. آنها حتی مایلند بپذیرند که او عطایا را به همه ایمانداران می‌بخشد. ولی آنها در خصوص ماهیت عطایایی که او در زمان حاضر می‌بخشد - به ویژه عطایایی که چشمگیر هستند - دیدگاه‌های گوناگونی دارند. اینجا ما آن دسته از عطایا را مد نظر داریم که چون منعکس‌کننده توانایی‌ها و استعداد‌های طبیعی بشری نیستند، به طور غیر قابل انکار کارهای روح محسوب می‌شوند. معجزات، شفاها، زنده کردن مرده‌ها، خواب‌ها، صحبت به زبان‌ها، ترجمه زبان‌ها، نبوت، و کلام حکمت و معرفت، همگی نمونه‌هایی از عطایایی هستند که اوانجلیکال‌ها درباره آنها مباحثه می‌کنند.

به طور کلی، رویکردهای اوانجلیکال به این عطایای چشمگیر در راستای زنجیره‌ای بین توقف کامل این عطایا و ادامه گسترده‌تر آنها قرار دارد. در یک انتهای این زنجیره که به متوقف شدن عطایا مربوط می‌شود، عموماً استدلال بر این است که عطایای چشمگیر به دوره‌ای در گذشته تعلق داشتند که با پایان این دوره عطایای مذکور

نیز خاتمه یافتند. برخی‌ها، آن دوره تاریخی پیشین را با دوره زندگی رسولان تقریباً برابر می‌دانند. این گروه، اغلب عصر رسولان را به عنوان دوره شهادت بر حقیقت ادعاهای درباره عیسی مسیح، و تاسیس کلیسا می‌شناسند. این دیدگاه تا حدودی به مضمون افسسیان ۲: ۲۰ استناد می‌کند، آنجا که درباره کلیسا می‌گوید:

بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده‌اید (افسسیان ۲: ۲۰).

در اینجا، باور بر این است که عطایای چشمگیر، بنیادین بودند. این عطایا تنها مربوط به دوره رسولان و انبیا بودند، یعنی مربوط به زمانی که کلیسای عهد جدید برای اولین بار پایه‌گذاری و از اسرائیل متمایز شد. از دید آنانی که قائل به پایان دوره عطایای معجزه‌وار هستند، این عطایا تنها با هدف تایید انجیل و اقتدار رسولان داده شدند. زمانی که انجیل و اعتبار رسولان به حد کفایت مورد تایید قرار گرفت، روح از بخشیدن این عطایا باز ایستاد. برخی‌ها پایان این دوره را با مرگ آخرین رسول یکی می‌دانند. و البته، عموماً تصور بر این است که آخرین رسول یوحنا بود که در انتهای قرن اول میلادی فوت کرد. دیگران این دوره بنیادین را طولانی‌تر شمرده، و آن را تا بسته شدن کائنات مقدس در قرن چهارم میلادی تمدید می‌کنند.

امروز هم خدا معجزات خارق‌العاده انجام می‌دهد. اما کارها و معجزات امروزه روح القدس با معجزات دوره رسولان در یک طبقه‌بندی قرار نمی‌گیرند. عطایای روحانی دوره رسولان... برای پایه‌گذاری کلیسا بودند. آنها همچنین شالوده‌تعالیم رسولان را بنیان گذاشتند و روشی بودند که به واسطه آنها خدا خود را به انسان‌ها آشکار می‌کرد. امروزه، معجزات در رده متفاوت و ویژه‌ای قرار دارند و در نتیجه، وسیله‌ای برای مکاشفه جدید نیستند. این معجزات مکاشفه جدیدی را به آنچه که خدا قبلاً در مسیح انجام داده و برای ما در کتاب مقدس ثبت کرده، اضافه نمی‌کنند... بنابراین، روح القدس در طول سال‌ها، عطایای خارق‌العاده‌ای را عطا کرد که اهدافی مکاشفاتی برای پایه‌گذاری ایمان مسیحی داشتند. این عطایا با پایان دوره ثبت مکاشفات در کتاب مقدس، متوقف شدند.

کشیش شریف گندی

در انتهای دیگر طیف که به ادامه عطایای چشمگیر مربوط می‌شود، عموماً باور بر این است که این عطایا به کل تاریخ کلیسا تعلق دارند و تا زمان بازگشت مسیح، متوقف نخواهند شد. معتقدان به تداوم عطایای چشمگیر روح باور دارند که از دوره عهد جدید به بعد تمام این عطایا در دسترس همه ایمانداران بوده‌اند. برخی بر این باورند که تجربه معمولی مسیحی، حداقل باید شامل صحبت به زبان‌ها بشود. و تعداد کمی حتی اصرار بر این دارند که

افرادی که عطیۀ زبان‌ها در زندگی‌شان دیده نمی‌شود، احتمالاً نجات ندارند. اما بیشتر افراد صرفاً معتقدند که روح القدس هنوز هم مختار است که عطایای چشمگیر را در هر جا و به هر کس که بخواهد عطا کند. آنها اصرار دارند که او ملزم نیست فقط به این دلیل که دورۀ رسولان تمام شده است، این عطایا را منع کند. و آنها اظهار می‌کنند که تنها متن کتاب مقدسی که به طور خاص به پایان عطایای چشمگیر اشاره می‌کند، بازگشت مسیح را زمان پایان این عطایا می‌داند. پولس در اول قرنتیان ۱۳: ۸-۱۰ اینطور نوشت:

نبوت‌ها از میان خواهد رفت و زبان‌ها پایان خواهد پذیرفت و معرفت زایل خواهد شد. زیرا معرفت ما جزئی است و نبوت‌مان نیز جزئی؛ اما چون کامل آید، جزئی از میان خواهد رفت (اول قرنتیان ۱۳: ۸-۱۰).

دیدگاه تداوم‌گرا استدلال می‌کند که کلمۀ «کمال» در آیه فوق یا خود عیسی است و یا آخرین حالت جلال‌یافتگی ما در بازگشت او. در هر حالت، نبوت، زبان‌ها و معرفت تا آن زمان ادامه خواهند داشت.

مدت‌ها بحث بر سر این بود که آیا عطایای روح القدس امروزه هم وجود دارند، به ویژه آن دسته از عطایای پُر جلوه‌تر مانند زبان‌ها، شفا، نبوت، اخراج ارواح... سوال این است که آیا این عطایا امروز هم وجود دارند؟ مایلیم از هر کسی که مایل است این سوال را مطرح کند، بپرسم، آیا می‌تواند مدرکی کتاب مقدسی به من نشان دهد که بگوید این عطایا دیگر برای امروز نیستند. منظورم این است که آنها قسمتی از فهرست‌های بزرگتری از عطایا هستند و در نتیجه به گمانم با هم موافق هستیم که عطایای موعظه، مدیریت، و تعلیم هنوز هم برای امروز هستند. و بنابراین، چرا سایر عطایا باید متفاوت باشند؟ گاهی اول قرنتیان باب ۱۳ برای توجیه تردید در خصوص ادامۀ عطایای چشمگیر نقل قول می‌شود - خود من چنین موعظه‌هایی را شنیده‌ام - اینکه وقتی کمال مطلق فرا می‌رسد، چیزهای دیگر مانند نبوت و امثال آن، دیگر نخواهند بود. و ادعا می‌شود که کمال مطلق همان کلام کامل خداست... اما، در واقع قضیه این است که آن کمال حقیقی که فرا خواهد رسید، پایان دوران، ظهور آسمان‌ها و زمین جدید، و حیات تازه ما در آنها خواهد بود. و بنابراین، همهٔ دلایل اشاره بر این دارند که این عطایا امروزه هم ادامه دارند.

دکتر جفری نای‌هاس

البته، مابین دو انتهای طیف، نقطه نظرات متنوعی وجود دارند که ترکیبی از اجزای دو دیدگاه توقف‌گرا و تداوم‌گرا به شمار می‌آیند. برخی معتقدند که عطایای چشمگیر می‌توانند ادامه پیدا کنند، اما آنها در طول تاریخ بسیار کمیاب هستند. برخی دیگر اعتقاد دارند که بعضی از عطایای چشمگیر ادامه دارند، ولی آنها به نحوی تغییر یافته‌اند

که دیگر چشمگیر به حساب نمی‌آیند. برای مثال، آنها ممکن است بگویند که اکنون نبوت محدود به موعظه و تعلیم است و دیگر شامل دریافت مکاشفه خاصی از جانب خدا نمی‌شود.

اما هر دیدگاهی که راجع به عطایای چشمگیر داشته باشیم، باید گستردگی و تنوع عقاید مسیحیان اوانجلیکال باورمند به کتاب مقدس را از یاد نبریم. روح به ما عطایایی برای بنای کلیسا بخشیده است. بنابراین، ما نباید اجازه دهیم دیدگاهمان در مورد عطایا بهانه‌ای برای تخریب یکدیگر باشد.

نتیجه‌گیری

در این درس، کار تدبیر روح القدس در کلیسا را در سه محور بررسی کردیم. به فیض عهد روح در عهد عتیق و عهد جدید نگاه کردیم. ارائه کتاب مقدس توسط او را از جنبه‌های الهام، پیام و هدف مطرح کردیم. و عطایای روحانی را با تمرکز بر هدف آنها، تاریخچه آنها در کتاب مقدس و کاربردی که در عصر حاضر دارند، بررسی کردیم. همانطور که در این درس دیدیم، برخی از بزرگترین کارهای مدبرانه روح القدس، معطوف به کلیسای مسیح است. ما عادت کرده‌ایم به روش‌هایی بیندیشیم که او ایمانداران را برکت می‌دهد، و در درس بعدی به این برکات خواهیم پرداخت. اما مهم است بدانیم که او فیض عظیمی نیز نسبت به تمامی جماعت تحت عهد خود نشان می‌دهد. روح القدس، کار خود روی زمین را بیشتر از نجات صرف اشخاص گناهکار از عواقب گناهشان می‌داند. کار روح، بنا و تجهیز قوم خداست تا ما بتوانیم پادشاهی او را در سراسر جهان گسترش دهیم.